

رابطه تیپ های شغلی - شخصیتی نوجوانان دبیرستانی با ترتیب تولد آنها و

مقایسه تیپ ها در نوجوانان دختر و پسر

The Study of Correlation between Vocational-Personality Types and Birth Order Among Male and Female Adolescents

Mostafa Jafari, M.A.

E-mail: Mostafajafari2007@gmail.com

Ali Jafari, B.A.

Oldoz Sadat Abootorabi, B.A.

Abstract: In this article, The aim was to study correlation between career-personality types and adolescents gender considering birth order.

The Design of this research was correlational and causal-comparative. Three hundred eighty male and female student adolescents from Tehran schools were tested by Holland Interest Inventory, Data's was analyzed using Friedman, Cruskall vallis and U man wittny. Significant results indicated that there was a correlation between career-personality types and birth order. Of their Position among siblings in the family hadan influence on their interests and choices. Also there was a significant different between male and female adolescents in career-personality types.

Keywords: vocational-personality, birth order, male and female adolescents

مصطفی جعفری: کارشناس ارشد رشته روانشناسی بالینی
کودکان و نوجوانان

علی جعفری: دانشجوی کارشناسی رشته مدیریت و برنامه ریزی
آموزشی

الدوز سادات ابوترابی: کارشناس روانشناسی عمومی

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین تیپ‌های شغلی - شخصیتی با ترتیب تولد و جنسیت نوجوانان دبیرستانی، اجرا شد. به این منظور ۳۸۰ نفر از نوجوانان دختر و پسر دبیرستان های منطقه یک تهران، که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ مشغول به تحصیل بودند به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، انتخاب شده و با آزمون های رغبت سنج شغلی - تحصیلی هالند و مشخصات دموگرافیک محقق ساخته، مورد ارزیابی قرار گرفتند. طرح پژوهش در مطالعه حاضر از نوع همبستگی و علی-مقایسه ای بوده و داده های بدست آمده از آن، با استفاده از آزمون های آماری فریدمن، کراسکال والیس و U مان ویتنی، در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که در بعضی از تیپ ها، رابطه معناداری بین تیپ های شغلی - شخصیتی نوجوانان با ترتیب تولد آنها وجود داشت. بدین معنی که بعضی علایق و انتخاب های شغلی نوجوانان متأثر از ترتیب تولد و جایگاه آنها در خانواده است. همچنین نتایج مقایسه تیپ های شغلی - شخصیتی در نوجوانان دختر و پسر نشان داد که در تیپ های واقعیت گرایی، جستجوگرایی، هنری و متهورانه تفاوت معناداری در بین دو جنس وجود داشته، درحالیکه در تیپ های اجتماعی و قراردادی تفاوتی دیده نشد.

واژگان کلیدی: تیپ های شغلی - شخصیتی، ترتیب تولد، نوجوانان دختر و پسر

مقدمه

در طی قرن نوزدهم، نظریه های گوناگونی که سعی در تبیین رفتارهای وابسته به حرفه گزینی و اشتغال می نمودند، شکل گرفتند که هر کدام از دیدگاهی خاص به عوامل تأثیر گذار بر شغل گزینی افراد جامعه اشاره کرده و به پیامدهای آن اشاره داشتند (شفیع آبادی، ۱۳۷۹). بدین ترتیب نظریاتی چون نظریه های خصیصه-عامل؛ نظریه سازگاری شغلی؛ نظریه های رشدی؛ و نظریه های یادگیری اجتماعی؛ به عنوان نظریه های غالب تبیین کننده فرایند حرفه گزینی افراد شناخته شدند (سوانسون، ۱۳۸۱). از میان انواع نظریه های شغلی ذکر شده، نظریه شغلی - شخصیتی جان هالند، که به تیپ شناسی افراد شاغل در حرفه ها و محیط های مختلف پرداخته است، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و در طی مطالعات مختلف پایایی خود را به اثبات رسانده است (هالند، ۱۳۷۶). نظریه هالند بر این فرض استوار است که انتخاب شغل یک نوع ابزار شخصیت فرد است؛ بدین معنی که، افراد با توجه به تیپ شخصیتی خود، امکان جور شدن با محیط هایشان را فراهم می آورند (هالند، ۱۹۹۷؛ به نقل از سوانسون، ۱۳۸۱). منظور از منش یا تیپ شخصیتی^۱ مجموعه ویژگی ها و رغبت های فرد است که بر اثر تعامل خاصی بین نیروهای چندگانه زیستی، فرهنگی، محیطی، شخصی، خانوادگی، اجتماعی و گروه همسالان شکل می گیرد (یزدی و حسینیان، ۱۳۷۷).

هالند مدلی را ارائه می دهد که گستره وسیعی از علایق را شامل بوده و به شش جنبه از علایق^۲ می پردازد: (۱) علایق واقعیت گرایی فعالیت های مکانیکی و ساختمانی را شامل می شود که فرصت هایی برای کار با ابزارها، ماشین ها و دیگر اشیاء فراهم می آورد؛ (۲) علایق جستجوگرانه، فعالیت های ریاضی و علمی را شامل می شود که امکان مشاهدات منظم و جستجوگری های خلاق پدیده ها را فراهم می آورد؛ (۳) علایق هنری شامل هنر، موسیقی و نویسندگی بوده و امکان بیان خلاق از طریق این رسانه ها را فراهم می آورد؛ (۴) علایق اجتماعی شامل فعالیت هایی است که فرصت هایی برای کمک کردن، مراقبت و تعلیم دادن دیگران را فراهم می آورد؛ (۵) علایق متهورانه

¹- Character & Personality Type

²- Realistic(R), Investigative (I), Artistic(A), Social (S), Enterprising (E), Conventional(C)RIASEC (RIASEC)

شامل فعالیت‌هایی همچون ترغیب دیگران برای رسیدن به اهدافی از قبیل: مدیریت، فروشنده‌گی و کارهای متهورانه است و ۶) علایق قراردادی بر روی فرصت‌هایی چون سازماندهی، مدیریت و ارزیابی اطلاعات و تبعیت از قواعد تمرکز دارد (تامسون^۱، ۲۰۰۴).

مطالعاتی که به منظور بررسی رابطه شخصیت و علایق شغلی، با استفاده از تست ۱۶ عاملی شخصیت کتل و سایر تست‌ها انجام گرفته‌اند، بیانگر رابطه معنا دار بین شخصیت و علایق شغلی هستند؛ بدین معنا که افراد برونگرا تمایل و علایقه بیشتری به فعالیت در رشته‌هایی همچون (سخنرانی، مقام اجتماعی - سیاسی) که ارتباط با مردم و امکان تأثیرگذاری بر آنها را میسر می‌سازد دارند؛ در حالیکه افراد احساسی و هیجانی به فعالیت در هنر و حیطه‌های حمایتی و تأمین رفاه برای دیگران می‌پردازند (کریستین مامبرگ، ۲۰۰۵).

همچنین نتایج یک مطالعه فراتحلیلی، که توسط لارسون و همکاران (۲۰۰۲) بر روی ۱۲ مطالعه مربوط به روابط بین پنج عامل شخصیتی و علایق شغلی شش‌گانه هالند، صورت گرفته است، تأییدکننده مطالعات تجربی منفرد بود. بدین معنی که نتایج فراتحلیل نشان دهنده وجود چندین رابطه قوی بین بعضی حوزه‌های وسیع علایق شغلی و شخصیت بود (کریستین، ۲۰۰۵؛ ص ۷۸).

علاوه بر این بازبینی مطالعات مربوط به رابطه جنسیت و علایق شغلی نتایج دوگانه‌ای را نشان می‌دهد. برای مثال بررسی‌های پیشین در مورد رابطه بین جنسیت و بلوغ شغلی^۲ نتایج متناقضی را نشان داده‌اند (کرکا؛ نایدو^۳، ۱۹۹۸؛ لوزو روجوسکی^۴ و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از لئونگ^۵، ۲۰۰۱). برای مثال در حالیکه بعضی‌ها هنوز بر تفاوت‌های بین دو جنس در علایق شغلی و بلوغ شغلی تأکید دارند (نویل^۶، ۱۹۸۴) اما تعدادی از مطالعات تفاوت‌های معنا داری بین دو جنس در بلوغ شغلی پیدا نکرده‌اند (آلو^۷، ۱۹۹۹؛ به نقل از سلامی، ۲۰۰۸).

1- Thompson

2- Career maturity

3- Kerka, Naidoo

4- Luzzo, Rojewski

5- Leong

6- Nevill

7- Alao

جنبه دیگر تفاوت جنسیتی شامل ماهیت و نوع علایق در دو جنس می باشد که مطالعات گوناگونی، با استفاده از ابزارهای مختلف در این زمینه انجام گرفته است که به برخی از مطالعات صورت گرفته با آزمون رغبت سنج هالند پرداخته می شود. بسیاری از مطالعات بیانگر تفاوت های جنسیتی در مؤلفه ها و تیپ های شغلی- شخصیتی هالند می باشند (فؤاد، هارمونو بورگن^۱، ۱۹۹۷؛ هانسون و کمپل^۲، ۱۹۹۵؛ به نقل از الیور، ۲۰۰۵). همچنین تامسون (۲۰۰۴)، در مطالعه ای که به منظور بررسی تفاوت های سنی و جنسیتی بر طبق رغبت سنج شغلی-شخصیتی هالند (RIASEC)، انجام داده به این نتیجه رسیده است که تفاوت های معناداری در تمام مؤلفه های آزمون هالند، در بین دو جنس وجود داشت. نتایج مطالعه او بیانگر میانگین بالای پسران در تیپ های واقعیت گرایی، جستجوگرایی، تهورگرایی و قراردادی بوده، درحالیکه دختران نمرات بالاتری در تیپ های اجتماعی و هنری کسب کرده بودند.

نظریه روانشناسی فردی آدلر، که نظریه شغلی نیز محسوب می شود، یکی از نظریه های روانشناختی شخصیت است که در مورد تأثیر اجتماع و محیط زندگی بر رفتار انسان سخن گفته است. نظریه روانشناسی فردی^۳ بر اساس پذیرش شخصیت انسان به عنوان واحدی غایت نگر، بنا می شود که زیر بنای آن را تعاملات زیست شناختی و روانشناختی تشکیل می دهند (شولتز، ۱۳۷۹). نظریه فردنگر آدلر معتقد است که "هر فرد در درجه اول موجودی اجتماعی است و شخصیت ما توسط محیط اجتماعی و تعاملات منحصر به فردی که با اطرافیان خود داریم شکل می گیرد. بنابراین رابطه داشتن با دیگران، اولین تکلیفی است که در زندگی با آن مواجه می شویم؛ لذا، سطح سازگاری ما که بخشی از سبک زندگی بعدی ماست، به چگونگی برخورد ما با تمام مشکلات زندگی تأثیر می گذارد؛ در نتیجه بر اساس چگونگی برخورد با مشکلات محیط، چهار سبک زندگی اساسی رایج شکل می گیرد که عبارتند از: تیپ سلطه گر، تیپ گیرنده، تیپ اجتنابی و تیپ سودمند اجتماعی^۴ (آدلر، ۱۳۶۱). آدلر، آن الگوی منحصر به فردی از ویژگی ها، رفتارها و عادت ها

^۱- Fouad, Harmon & Borgen

^۲- Hanson & Campbell

^۳- Individual psychology

^۴- Dominant Type, Getting Type, Avoiding Type, Socially Useful Type

را که هر یک از ما پرورش می دهیم، منش متمایز یا سبک زندگی^۱ می نامد. طبق این مفهوم، هر کاری که انجام می دهیم به وسیله سبک زندگی بی نظیر ما شکل گرفته و توصیف می شود و سبک زندگی ما تعیین می کند که ما به کدام جنبه های محیط مان توجه نموده و یا آنها را نادیده می گیریم. سبک زندگی از طریق تعامل های اجتماعی که در سال های اولیه زندگی رخ می دهد آموخته می شود. آدلر پیشنهاد کرد که سبک زندگی، به تعامل های اجتماعی، بویژه ترتیب تولد شخص در داخل خانواده و ماهیت روابط والد- کودک بستگی دارد (شولتز، ۱۳۷۹).

از دیگر یافته های پر اهمیت آدلر، اعتقاد وی به اهمیت ترتیب تولد در محیط خانواده بوده و معتقد به این بود که ترتیب تولد تأثیر اجتماعی مهمی در کودکی بوده، و سبک زندگی هر فرد بر طبق آن بوجود می آید. اعتقاد او این است که، با وجود اینکه همشیرها والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می کنند، اما محیط های اجتماعی همانندی ندارند؛ لذا بزرگتر یا کوچکتر بودن از همشیره های دیگر و قرار داشتن در معرض نگرش های متفاوت والدین، شرایط کودکی مختلفی را بوجود می آورد که به تعیین شخصیت کودک کمک می کند. بنابراین مناسباتی بین برادر- خواهران برقرار است که از نظر تربیتی و تشکیل شخصیت، از اهمیت زیادی برخوردار هستند (آدلر، ۱۳۶۱). آدلر به این نتیجه رسید که فرزندان اول اغلب به سوی گذشته گرایش داشته، حسرت گذشته را می خورند و نسبت به آینده بدبین هستند. آنها که زمانی امتیازات قدرت را چشیده اند، در سراسر زندگی به آن علاقه مند می مانند؛ همچنین آنها علاقه عجیبی به حفظ نظم و اقتدار داشته؛ با وجدان و وظیفه شناسند؛ از نظر نگرش، خودکامه و محافظه کار بوده و ممکن است با احساس ناامنی و خصومت نسبت به دیگران پرورش یابند (لئونگ، ۲۰۰۱).

در این رابطه ملیسا^۲ و همکاران (۲۰۰۸)، در یک مطالعه که به منظور بررسی رابطه بین ابعاد شخصیت تست آیزنگ با ترتیب تولد در خانواده های بزرگ و پر جمعیت انجام داد، به این نتیجه رسید که فرزندان آخر و سه فرزند کوچک خانواده، برونگرتر از فرزندان اول و سه فرزند بزرگ خانواده هستند. او در تبیین بالا بودن برونگرایی در کودکان آخر خانواده، به افزایش توجه والدین

^۱- Style of life
^۲- Melissa

به فرزندان آخر در درون و بیرون خانواده اشاره نموده و بیان می کند که موقعیت و جایگاه فرزندان آخر در بین همشیرها، باعث جلب توجه والدین و همشیرها به آنها شده و این موقعیت، فرایند اجتماعی شدن آنها را بهبود می بخشد.

براین اساس بعضی از تحقیقات مربوط به بررسی رابطه بین شخصیت و ترتیب تولد، پیشنهاد کرده اند که تقریباً ۳۵/۰ درصد از واریانس شخصیت را می توان بر اساس ترتیب تولد تبیین کرد (بورکنو^۱، ۲۰۰۱؛ و جانگ^۲، ۱۹۹۶؛ به نقل از ملیسا، ۲۰۰۸). باز بینی ادبیات مطالعات توصیفی مربوط به رابطه ترتیب تولد و رفتار شغلی، نشان می دهد که فرزندان اول تمایل بیشتری به همنوایی با بزرگان جامعه داشته و به سوی منابع قدرت و مسئولیت پذیری سوق پیدا می کنند (مور و کاکس^۳، ۱۹۹۰). همچنین نتایج نشان می دهد که تعداد بیشتری از فرزندان اول به عنوان فیزیکیان، وکیل دادگستری، اعضای کنگره، رهبر، معلم و پرستار انتخاب می شوند (واتکینز و ساویسکا، ۱۹۹۰، به نقل از لئونگ، ۲۰۰۱). در مطالعه ای دیگر پائول هاس^۴ (۱۹۹۹)، بیان می کند که فرزندان اول خانواده بیشتر به عنوان افرادی پیشرفتگر، با وجدان و وظیفه شناس شناخته می شوند؛ درحالیکه کودکان بعدی و آخر به عنوان افرادی سرکش، آزادیخواه و یا اینکه تبعیت جو شناخته می شوند (ایما بک و همکاران^۵، ۲۰۰۶).

فرزندان دوم که منشاء آشوب در زندگی فرزندان اول هستند، نیز در موقعیت بی نظیری قرار دارند. آنها هرگز جایگاه قدرتمندی را که زمانی توسط فرزندان اول اشغال شده بود را تجربه نمی کنند. آنها از همان آغاز رقیب همشیر بزرگتر هستند. فرزند دوم همیشه نمونه ای از رفتار فرزند اول را به عنوان الگو، تهدید یا منبع رقابت، در اختیار دارد. رقابت با فرزند اول به برانگیختن فرزند دوم کمک می کند. فرزندان دوم و میانی، گرایش بیشتری به گروه همسالان، همکاری با آنها و دیگر فعالیت های اجتماعی دارند (کوهن^۶، ۱۹۸۵؛ به نقل از کلاکستون، ۱۹۹۵)، لذا مهارت های

1- Borkenau

2- Jang

3- Moore & Cox

4- Paullhus

5- Emma Beck

6- Cohen

مردمی بیشتری داشته و شنونده، میانجی و مذاکره کننده خوبی هستند؛ لذا احتمال اینکه آنها دانشمند، هنرمند و مصلح اجتماعی شوند بیشتر از نویسنده شدن است.

فرزندان آخر هرگز با ضربه عزل شدن بوسیله فرزند دیگر مواجه نمی شوند و اغلب محبوب خانواده می مانند، مخصوصاً اگر همشیره‌ها چند سال بزرگتر باشند. فرزندان آخر که بوسیله نیاز پیش افتادن از همشیره‌های بزرگتر برانگیخته می شوند، اغلب به میزان بسیار سریعی رشد می کنند؛ آنها در بزرگسالی، در هر کاری که به عهده می گیرند غالباً پیشرفت زیادی داشته و افرادی سرزنده، بشاش و بزله گو هستند؛ این افراد بیشتر احتمال دارد که هنر بازیگری را ادامه دهند (بوهمر و سیتون^۱، ۱۹۹۳؛ به نقل از کلاکستون، ۱۹۹۵).

گروه دیگری که بر طبق مفهوم ترتیب تولد حائز اهمیت هستند، گروه تک فرزندان می باشند. تک فرزندان هرگز جایگاه برتری و قدرتی را که در خانواده دارند از دست نمی دهند و کانون توجه باقی می مانند. تک فرزندان که نسبت به کودکی که همشیر دارد، زمان بیشتری را همراه با بزرگسالان می گذرانند، زودتر نگرش‌ها و رفتارهای بزرگسالی را نشان داده و اغلب دارای انگیزه و اعتماد به نفس بالاتر و پیشرفت گرایمی بیشتری هستند (مور و کاکس، ۱۹۹۰). فراتحلیل ۱۱۵ مطالعه مربوط به تک فرزندان، سازگاری اجتماعی-هیجانی بیشتر و سطح بالاتر پیشرفت و هوش را از افرادی که همشیر داشتند، گزارش داده است. پژوهش پیگیر این نتایج را تأیید کرده و نشان داد که تک فرزندان سطوح بالاتر ابتکار، آرزو، سخت کوشی و اعتماد به نفس دارند (ملور^۲، ۱۹۹۰).

در زمینه رابطه ترتیب تولد با جنسیت نیز مطالعات گوناگونی صورت گرفته است. هیدی کلر^۳ (۲۰۰۲) در یک مطالعه به منظور بررسی تأثیر جنسیت و ترتیب تولد کودکان بر چگونگی رفتار والدین با آنها نتیجه گرفت که فرزندان اول در بعضی ابعاد ارتباطی که عبارتند از: حضور مادران، حضور پدر و رفتار چهره به چهره پدران وقتی که مادر نیز حضور دارد، بر فرزندان آخر ترجیح داده می شوند. با توجه به تفاوت‌های جنسی، مادران در دوره‌های حضور خود و مراقبت اولیه، بیشتر

^۱- Bohmer & Sitton

^۲- Mellor

^۳- Keller

دختران خود را ترجیح می دادند. در حالیکه پدران موقع حضور خود، بیشتر پسران را ترجیح می دادند. بطور غیر منتظره پدران در موقع حضور و تعامل چهره به چهره، بیشتر دختران را ترجیح می دادند.

همانطور که از مباحث فوق استنباط می شود، نظریه شغلی آدلر با تمرکز بر ترتیب تولد و جایگاه فرد در خانواده، تأثیر متغیرهای مهم خانوادگی را که تحول حرفه‌گزینی و رفتارهای شغلی را متأثر می سازند، بدیهی می داند. در نظریه شغلی آدلر، فرض بر این است که ترتیب تولد یا موقعیت روانی-اجتماعی فرد در خانواده، تأثیر معناداری بر رفتار حرفه‌گزینی فرد دارد؛ بدین صورت که، کودکان بر حسب تعبیر و تفسیری که از وضع خود در رابطه با اطرافیان‌شان به عمل می‌آورند، رشد می‌کنند (آدلر، ۱۳۷۸). کودکان یک خانواده بر حسب اینکه فرزند چندم خانواده باشند، دارای مقام‌های متفاوتی بوده و در نتیجه منش و خویهای خاص می‌یابند. بنابراین آدلر معتقد است که در جمع‌خانودگی، وضعیت و جایگاه روانی هر کودک با کودک دیگر متفاوت است (مصطفوی، ۱۳۴۴). در نتیجه بر طبق نظریه روانشناسی فردی، که همیشه فرد را در تعامل او با جهان اطراف مورد مطالعه قرار می‌دهد، اهمیت متغیرهای خانوادگی که تأثیر بسزایی بر فرایند رشد حرفه‌گزینی و رفتار شغل‌یابی دارند، مشخص می‌شود (واتکینز^۱، ۱۹۸۴). در این رابطه تحقیقات از نظریه شغلی آدلر با استناد به اهمیت ترتیب تولد و ساختار خانوادگی افراد که رفتارهای شغلی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حمایت کرده‌اند (واتکینز و ساویسکا^۲، ۱۹۹۰؛ واتس و انگلز^۳، ۱۹۹۲، به نقل از لئونگ، ۲۰۰۲). نظریه پردازی واتکینز در مورد ترتیب تولد نیز به تأثیر متقابل رویدادهای محیطی بر رشد شخصیت تمرکز کرده است. بطور مثال، او معتقد است که معمولاً والدین در ارتباط با ترتیب تولد فرزندان، انتظارات و احترامات متفاوتی نسبت به آنها دارند؛ بطور مشابه، خانواده‌ها اغلب امتیازات و حقوق منحصر به فردی را با توجه به موقعیت تولد کودکان، اختصاص می‌دهند؛ برای مثال افراد با ترتیب‌های تولد متفاوت می‌توانند الگوهایی از

¹ - Watkins

² - Saviska

³ - Watts & Engels

ویژگی‌ها را که رفتار شغلی آنها را منعکس می‌کنند در سبک شخصیتی، علایق شغلی، و ارزش‌های خود نشان دهند. ساویسکا^۱ (۱۹۸۸)، نیز این نکته را مورد ارزیابی قرار داده و ادعا می‌کند که ترتیب تولد تأثیر معناداری بر سبک شغلی یا الگویی که ممکن است به علایق شغلی مربوط باشد، دارد. همچنین مطالعه رابطه ترتیب تولد با متغیرهای شغلی، حمایت زاجونس و مولالی^۲ (۱۹۹۷) را نیز کسب کرده است (لئونگ، ۲۰۰۱).

مبحث ساختار خانواده و گرایش‌های شغلی در بین نظریات شغلی جایگاه بسزایی دارد که در این زمینه، نظریه شخصیت و محیط‌های شغلی هالند (۱۹۹۶)، فرض می‌کند که عوامل خانوادگی همچون: نگرش‌ها، ارزش‌ها و روابط بین فردی، بر انتخاب‌ها و سازگاری شغلی افراد تأثیر می‌گذارند. موقعیت‌هایی از کودکی که در آنها ویژگی‌های شغلی-شخصیتی به عنوان کارکردی از پویایی‌های خانواده، شکل می‌گیرند، منجر به ترجیح فعالیت‌های ویژه‌ای می‌شوند که رشد علایق شغلی را به بار می‌آورند؛ لذا کودکان در سنین ۱ تا ۸ سالگی گروه‌هایی را ترجیح می‌دهند که شامل فعالیت‌ها، علایق، شایستگی‌ها و ارزش‌هایی هستند که مهارت‌های متمایز کننده رشد و شکل‌گیری شخصیت شغلی آنها را تقویت می‌کند (اسپوکان، ۳، ۱۹۹۶).

ایده‌های اولیه آدلر در مورد نقش ترتیب تولد در مورد رشد شخصیت، تقریباً به آنچه که بعداً توسط هالند درباره نقش تعاملات والد-کودک در رشد تیپ‌های شغلی-شخصیتی اشاره شده، نزدیک است (هرولر، ۱۹۸۶؛ به نقل از وندراک، ۴، ۱۹۹۹). "کودکان محیطشان را با توجه به درجات محدودیت اعمال شده بوسیله خواسته‌های والدین، خلق می‌کنند که در واکنش به والدین رفتار نموده و توسط همشیرها تحت تأثیر قرار می‌گیرند" (هالند، ۱۹۸۴، به نقل از هرولر، ۵، ۱۹۸۶). هرولر نتیجه می‌گیرد که: "به نظر می‌رسد موقعیت توصیف شده توسط هالند در مورد تعاملات والد-کودک، شبیه چیزی است که آدلر بطور ویژه در مورد موقعیت تولد کودکان مطرح می‌کند". فرزند

1- Saviska
2 - Zajonc & Mullally
3 - Spokane
4 - Vondracek
5 - Herr & Lear

اول عموماً مقدار قابل توجهی از توجه و لوس شدن را کسب می کند. دومی اغلب کاملاً غیر منتظره بوده و ضربه سختی برای بچه اول محسوب شده و تمام چیزهایی را که مال او بوده را به خود اختصاص می دهد (آناباچر، ۱۹۸۶؛ ص ۳۷۷؛ به نقل از هرولر ۱۹۸۶). بنابراین اعتقاد آدلر در مورد تأثیر ترتیب تولد، تأکید بر این نکته بود که برخی از سبک های زندگی در نتیجه ترتیب تولد و تعامل های اجتماعی اولیه شخصی، پرورش خواهند یافت که در نتیجه آن خود خلاق فرد به هنگام ساختن سبک زندگی، هر دو را به کار می گیرد.

الف- مکانیزم تأثیرگذاری ترتیب تولد: مدل پویایی های خانوادگی^۲ (سالووی،^۳ ۲۰۰۱) تبیین های گوناگونی از مکانیزم اثر گذاری ترتیب تولد ارائه می دهد:

الف) بر اساس نظریه رقیق شدگی^۴، وقتی تعداد فرزندان افزایش می یابد، منابع موجود والدین و توجه آنها بین کودکان تقسیم می شود که در طی این تقسیم سرمایه عاطفی- روانی- اقتصادی، اغلب فرزند اول بیشترین سود را می برد و مورد توجه قرار می گیرد؛ به سبب اینکه قبل از تولد دیگر کودکان برای مدتی تنها فرد استفاده کننده از منابع خانواده بوده و بعد از به دنیا آمدن همسیرها نیز، چون از قدرت و جایگاه بالاتری در بین آنها برخوردار است، لذا بیشترین بهره را از امکانات موجود خانواده برای حفظ بقاء خود می برد (دووننی،^۵ ۲۰۰۱؛ و ریچارد^۶ و همکاران، ۲۰۰۲). سالووی معتقد است که فرزندان اول بیشتر احتمال دارد بوسیله والدین درک شوند، و آنها انگیزه قوی تری برای کسب رضایت والدین و برآورده ساختن انتظارات آنها دارند. در حالیکه کودکان بعدی، از منابع والدینی کمتر بهره می برند؛ چون بر اساس نظریه رقیق شدگی، کودکان بطور نابرابری از منابع خانواده بهره مند می شوند (سالووی، ۲۰۰۷).

ب) مکانیزم تبیین دیگر در مدل پویایی خانوادگی، به هویت یابی و اکتساب نقش کودکان در خانواده مربوط می شود. جایی که کودکان سعی دارند خود را در زمینه هایی همچون علایق،

1- Anabacher & Anabacher

2- Family dynamic Model

3- Sulloway

4- Resource Dilution Model

5- Duune

6- Richard

نگرش‌ها، شخصیت و کسب نقش متناسب خود، از همدیگر جدا و متمایز سازند، و این تمایزسازی نقش‌ها در خانواده و عدم رقابت با دیگر خواهر-برادران، منجر به کاهش رقابت و تضادورزی بین فرزندان می‌شود. بر این اساس کودکان آخر و میانی بیشتر احتمال دارد که به منظور کاهش احتمال مواجهه تهدیدآمیز با برادر و خواهر بزرگتر و قویتر خود، تبعیت جو باشند. همچنین بیشتر احتمال دارد که برای تعقیب اهداف خود و کسب موافقت والدین، با استراتژی‌های مختلفی، دست به رفتارهای مخاطره آمیز و ماجراجویانه بزنند (ریچارد و همکاران، ۲۰۰۲). بنابر نظر آدلر، فرزندان اول به قدرت و اقتدار علاقه مند هستند، و یک راه که فرزندان اول می‌توانند در بزرگسالی، به قدرت و اقتدار برسند این است که در کنار خود پیشرفت کنند. در نتیجه نمره‌های پیشرفت فرزندان اول بسیار بالاتر از سایر فرزندان بوده است (برلاند^۱، ۱۹۷۴؛ به نقل از جیل^۲ و همکاران، ۲۰۰۷).

بنابر شواهد مذکور، پژوهش حاضر به مطالعه این سؤال می‌پردازد که آیا در نوجوانان دختر و پسر دبیرستانی، رابطه معناداری بین سازه ترتیب تولد ارائه شده توسط آدلر، با سازه تیپ‌های شغلی-شخصیتی ارئه شده توسط هالند، وجود دارد؟ همچنین آیا تفاوتی بین تیپ‌های شغلی-شخصیتی نوجوانان دختر و پسر دارای موقعیت‌های تولد مختلف وجود دارد؟ فرضیه‌های پژوهش

- بین تیپ‌های شغلی-شخصیتی نوجوانان دبیرستانی و ترتیب تولد آنها رابطه وجود دارد.
- ترتیب تولد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تیپ‌های شغلی-شخصیتی باشد.
- تفاوت معناداری بین تیپ‌های شغلی-شخصیتی نوجوانان دختر و پسر وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع همبستگی و علی - مقایسه‌ای پس‌رویدادی بود. بدین دلیل که به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای ترتیب تولد و جنسیت با تیپ‌های شغلی-

^۱ -Berland
^۲ - Jill

شخصیتی نوجوانان تدوین شده بود. همچنین به مقایسه تیپ های شغلی - شخصیتی بر اساس جنسیت و ترتیب تولد پرداخته شد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر را کلیه دانش آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستان های منطقه یک تهران تشکیل می دادند که در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ در مدارس دولتی و غیر انتفاعی مشغول به تحصیل بودند. گروه نمونه تحقیق حاضر شامل ۳۸۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستانی بودند که از ۱۵ کلاس سال اول موجود در چهار مدرسه دبیرستان های منطقه یک تهران، به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از میان دبیرستان های دولتی و غیر دولتی پسرانه و دخترانه منطقه ۱ تهران، چهار مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب نموده و در هر مدرسه از میان کل دانش آموزان کلاس اولی، چهار کلاس را به صورت تصادفی انتخاب نموده و برای شرکت در پژوهش توجیح شدند. سپس پرسشنامه های رغبت سنج شغلی - شخصیتی هالند و مشخصات دموگرافیک محقق ساخته، بطور همزمان در مورد دانش آموزان به اجرا در آمد.

ابزارهای اندازه گیری

اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر از طریق دو پرسشنامه مداد-کاغذی جمع آوری شدند که به شرح ذیل هستند:

- آزمون رغبت سنج تحصیلی - شغلی هالند (RIASEC)¹: این آزمون در سال ۱۹۶۸ توسط جان هالند ساخته شده و دارای چهار بخش مجزای فعالیت ها، تجربه ها، مشاغل و خود سنجی (خود سنجی ۱ و ۲) است. پایایی و روایی این آزمون در طول دهه های اخیر مورد آزمایش قرار

¹ - Realistic (R), Investigative (I), Artistic(A), Social (S), Enterprising (E), Conventional (C)

گرفته و نتایج رضایت بخشی را بدست داده است. بطور مثال در کتابچه راهنمای سال ۱۹۹۴، دامنه ضریب پایایی در مورد دانش آموزان با روش بازآزمایی، ۰/۳۱ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (هالند، ۱۹۹۴). در هنجاریابی ایرانی این آزمون، پایایی گزارش شده توسط یزدی و حسینیان (۱۳۷۷)، در حدود ۰/۵۹ تا ۰/۶۹ بوده است. همچنین در این مطالعه روایی محتوای آزمون، هم برای مقیاس‌ها و هم برای روش نمره گذاری، ضرایب همبستگی معناداری در سطح ۰/۰۱ بدست داده است. همچنین همبستگی تیپ‌های شخصیتی با بالاترین نمره رشته‌های تحصیلی حاصل از روش نمره گذاری، به میزان ۰/۷۲ بوده است (یزدی، ۱۳۷۷).

- پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک: در پژوهش حاضر برای ارزیابی ترتیب تولد دانش آموزان، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آزمون‌های فریدمن جهت محاسبه رابطه بین ترتیب تولد و تیپ‌های شغلی - شخصیتی، و از کراسکال والیس برای مقایسه تیپ‌ها در رتبه‌های تولد مختلف استفاده شد. همچنین برای مقایسه نتایج نوجوانان دختر و پسر در تیپ‌های شغلی - شخصیتی از آزمون آماری U مان ویتنی استفاده به عمل آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱- آزمون فریدمن برای رابطه بین ترتیب تولد و تیپ‌های شغلی - شخصیتی

| تعداد | خی دو | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------|---------|------------|--------------|
| ۳۵۷ | ۲۱۹/۹۸۸ | ۶ | ۰/۰۰۰ |

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بین ترتیب تولد و تیپ‌های شغلی - شخصیتی نوجوانان

رابطه معنادار وجود دارد. این یافته بدین معنی است که جایگاه تولد نوجوانان در خانواده می تواند پیش بینی کننده معناداری در مورد علایق شغلی- شخصیتی آنها باشد. تفسیر این نتیجه بدین صورت است که هر یک از فرزندان دارای رتبه های تولد اول، میانی، آخر و تک فرزندان از علایق شغلی- شخصیتی متفاوتی برخوردارند.

جدول ۲- آزمون کراسکال والیس برای مقایسه تیپ های شغلی- شخصیتی، بر اساس ترتیب تولد

| متهور | قراردادی | اجتماعی | هنری | جستجوگرا | واقعیتگرا | |
|-------|----------|---------|-------|----------|-----------|--------------|
| ۱/۹۲۸ | ۰/۲۵۶ | ۸/۴۵۴ | ۸/۵۵۵ | ۳/۵۶۰ | ۶/۶۰۹ | خی دو |
| ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | درجه آزادی |
| ۰/۵۸۷ | ۰/۶۹۸ | ۰/۰۳۸ | ۰/۰۳۶ | ۰/۳۱۳ | ۰/۰۲۲ | سطح معناداری |

همانطور که نتایج جدول شماره ۲ نشان می دهد، در تیپ های واقعیت گرایی، هنری و اجتماعی تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ در بین فرزندان اول، میانی، آخر و تک فرزندان وجود داشته و در دیگر تیپ های شغلی- شخصیتی هالند (که شامل جستجوگرایی، قراردادی و متهورانه می باشند)، تفاوت معناداری بین رتبه های تولد مختلف وجود نداشت. این یافته بدین معنی است که نوجوانان دارای رتبه های تولد مختلف در بعضی از تیپ های مورد سنجش تفاوت معناداری با هم داشته و در مقابل در تیپ های جستجوگرایی، قراردادی و متهورانه تفاوت بارزی مشاهده نشده است.

جدول ۳- جدول توصیفی تیپ‌های شغلی- شخصیتی بر اساس جنسیت

| تیپ‌ها | جنسیت | تعداد | میانگین‌ها | مجذور میانگین‌ها |
|------------|-------|-------|------------|------------------|
| واقعیت‌گرا | پسر | ۱۹۵ | ۲۰۴/۷۴ | ۳۹۹۲۳/۵۰ |
| | دختر | ۱۸۴ | ۱۷۴/۳۸ | ۳۲۰۸۶/۲۰ |
| | کل | ۳۷۹ | | |
| جستجوگرا | پسر | ۱۹۵ | ۱۷۶/۵۰ | ۳۴۴۱۸/۰۰ |
| | دختر | ۱۸۵ | ۲۰۵/۲۵ | ۳۷۹۷۲/۰۰ |
| | کل | ۳۸۰ | | |
| هنری | پسر | ۱۹۳ | ۱۷۸/۴۹ | ۳۴۴۴۸/۰۰ |
| | دختر | ۱۸۴ | ۲۰۰/۰۳ | ۳۶۸۰۵/۰۰ |
| | کل | ۳۷۷ | | |
| اجتماعی | پسر | ۱۹۵ | ۱۸۹/۳۲ | ۳۶۹۱۷/۰۰ |
| | دختر | ۱۸۵ | ۱۹۱/۷۵ | ۳۵۴۷۳/۰۰ |
| | کل | ۳۸۰ | | |
| قراردادی | پسر | ۱۹۵ | ۱۹۰/۱۶ | ۳۷۰۸۱/۵۰ |
| | دختر | ۱۸۵ | ۱۹۰/۸۶ | ۳۵۳۰۸/۵۰ |
| | کل | ۳۸۰ | | |
| متهور | پسر | ۱۹۵ | ۲۰۰/۸۹ | ۳۹۱۷۳/۰۰ |
| | دختر | ۱۸۵ | ۱۷۹/۵۵ | ۳۳۲۱۷/۰۰ |
| | کل | ۳۸۰ | | |

بر اساس نتایج جدول شماره ۳، این یافته قابل استنتاج است که به استثنای تیپ های قراردادی و اجتماعی، در تمام تیپ های واقعیت گرایی، جستجوگرایی، هنری و متهور بودن؛ بین دو جنس تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر گروه دختران در مقایسه با گروه پسران، هنری تر و جستجوگرتر بوده و در مقابل گروه پسران واقعیت گراتر و متهورانه تر از گروه دختران هستند.

جدول ۴- آزمون آماری U مان ویتنی جهت مقایسه تیپ های شغلی - شخصیتی دو جنس

| متهور | قراردادی | اجتماعی | هنری | جستجوگرا | واقعیتگرا | U مان ویتنی Z سطح معناداری (دو طرفه) |
|---------|----------|---------|---------|----------|-----------|---|
| ۱۶۰۱۲/۰ | ۷۹۷۱/۵ | ۱۷۸۰۷/۰ | ۱۵۷۲۷/۰ | ۱۵۳۰۸ | ۱۵۰۶۶/۵ | |
| -۲/۴۰۹ | -۰/۰۶۸ | -۰/۲۲۴ | -۲/۰۱۳ | -۲/۶۵۳ | -۳/۲۴۴ | |
| ۰/۰۱۶ | ۰/۹۴۶ | ۰/۸۲۳ | ۰/۰۴۴ | ۰/۰۰۸ | ۰/۰۰۱ | |

*متغیر بین گروهی: جنسیت

نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد که تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱، در تیپ های واقعیتگرایی، جستجو گرایی، هنری و متهورانه در بین نوجوانان دختر و پسر وجود دارد. بدین شرح که دختران نسبت به پسران جستجوگرتر و هنری تر بوده و در مقابل پسران واقعیتگراتر و متهورانه تر هستند. در حالیکه در تیپ های اجتماعی و قراردادی تفاوت معناداری دیده نشد.

بحث و نتیجه گیری

بطور کلی یافته های بدست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که بین تیپ های شغلی - شخصیتی و ترتیب تولد افراد مورد پژوهش رابطه وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از مقایسه

داده‌های تیپ شناسی بر اساس ترتیب تولد نشان داد که در تیپ‌های واقعیت‌گرایی، اجتماعی و هنری، تفاوت معناداری در رتبه‌های تولد اول، میانی، آخر و تک‌فرزندان وجود دارد. در حالیکه در تیپ‌های جستجوگرایی، قراردادی و متهورانه در بین ترتیب‌های مختلف تولد تفاوت معناداری مشاهده نشد. شرح یافته‌های توصیفی بدین صورت است که تک‌فرزندان، کمتر از سایر متولدین، دارای تیپ‌های واقعیت‌گرایی و جستجوگرایی می‌باشند. در مقابل، فرزندان اول فقط در تیپ جستجوگرایی نمره بالاتری نسبت به سایر گروه‌ها داشتند. همچنین فرزندان میانی، در تیپ‌های هنری و واقعیت‌گرایی، نمره‌ای بالاتر از سایر گروه‌ها داشته و همین گروه در تیپ‌های متهورانه، اجتماعی و جستجوگرایی نمره‌ای پایین‌تر از بقیه گروه‌ها بدست داده بودند. نکته جالب توجه در داده‌های توصیفی این بود که فرزندان اول و تک‌فرزندان، اجتماعی‌تر از دیگر گروه‌ها بودند. در واقع این نتیجه بدان معنی است که فرزندان اول و تک‌فرزندان، نسبت به فرزندان بعدی اجتماعی‌تر و جمع‌گراتر هستند.

این نتیجه همسو با یافته‌های مطالعات توماس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) می‌باشد که نشان داده است فرزندان اول تعاملات و تماس‌های چهره‌به‌چهره بیشتری نسبت به فرزندان بعدی دارند که منجر به بهبود روابط اجتماعی آنها می‌شود. تبیین نتایج فوق بر اساس نظریه آدلر و هالند به این صورت می‌تواند باشد که تک‌فرزندان بخاطر موقعیتی که در ساختار خانواده داشته و متناسب با آن فرصت‌هایی که برای وارد شدن به جمع بزرگترها و نشست و برخاست با آنها فراهم می‌شود رفتارهای اجتماعی‌تر و جمع‌گرا را آموخته و به مدد احساس مثبت ناشی از آن زمینه ورود به جامعه نوجوانان بزرگتر و بزرگسالان را هموار دیده و یا ایده‌های مربوط به آن را در سر دارند. در مقابل فرزندان میانی بخاطر موقعیتی که در بین فرزندان بزرگتر و کوچکتر خانواده دارند کمتر مورد توجه بزرگسالان بوده و به تبع آن احساس بدی از حضور در جمع و محیط‌های اجتماعی داشته و بدین ترتیب فرصت‌های کمتری در موقعیت‌های اجتماعی برای آنها حاصل شده و زمینه‌های دوری از جمع بزرگسالان در آنها شکل می‌گیرد.

^۱ - Thomas

در بخش دوم نتایج تحقیق حاضر که به مقایسه نتایج گروه دختران و پسران پرداخته شد نتایج مربوط به آزمون مقایسه تیپ های شغلی-شخصیتی در گروه های پسر و دختر نشان داد که، به استثنای تیپ های قراردادی و اجتماعی، در همه تیپ های هنری، واقع گرایی، هنری و متهورانه، تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ بین گروه های دختران و پسران وجود داشت. بدین معنی که گروه دختران در مقایسه با پسران، هنری تر و جستجوگرتر بوده و در مقابل گروه پسران واقعیت گراتر و متهورانه تر از گروه دختران بودند. این نتیجه همسو با نتایج مطالعات (مورای^۱، ۲۰۰۱؛ هالیبورتن^۲، ۱۹۹۸)، می باشد که نشان داده اند، گروه پسران بیشترین نمره را در تیپ واقعیت گرایی کسب نموده، در حالیکه گروه دختران بیشترین نمره را در تیپ اجتماعی و هنری کسب کرده بودند. این تفاوت جنسیتی در تیپ ها می تواند بدین گونه تبیین شود که عامل جنسیت و شرایط و تبعات ناشی از آن به عنوان عاملی مؤثر در شکل گیری تیپ های شغلی دختران و پسران محسوب می شود. یعنی جنسیت کودک باعث می شود که انتظارات و تعاملات اطرافیان با آنها متفاوت بوده و در نتیجه تیپ های شغلی-شخصیتی یا سبک های زندگی گوناگونی در فرزندان دختر و پسر شکل بگیرد. لذا جنسیت فرزندان بنابر ویژگی های زیستی-روانشناختی هر جنس در تعامل با محیط و انتظارات فرهنگی- خانوادگی منجر به تفاوت علایق و تیپ های شخصیتی آنها می شود. بر این اساس شاهد تفاوت جنسیتی در تیپ ها بوده و در فرایند حرفه گزینی نیز باید به آن توجه شده و بر طبق آن عمل شود. در تبیین فقدان تفاوت معنا دار بین جنسیتی در دو تیپ اجتماعی و قراردادی، می توان گفت که شاید این ابعاد از عوامل فرهنگی و محیطی تأثیر پذیر بوده و در نتیجه نوع جامعه پذیری فرزندان دختر و پسر در جامعه ایرانی یکسان بوده و منجر به تعییت از قواعد اجتماعی در هر دو جنس می شود. بر این اساس استنباط می شود در جامعه ایرانی برخورد همسانی با فرزندان دختر و پسر صورت پذیرفته و در نتیجه علایق و تیپ های مشابهی در آنها شکل می گیرد.

¹ - Murray
² - Haliburton

منابع

- آدلر، آ. (۱۳۶۱). روانشناسی فردی. ترجمه؛ زمانی، حسن. تهران: انتشارات پیشگام.
- آدلر، آ. (۱۳۷۸). نظریات کاربردی تربیت کودکان. ترجمه م.ح. سروری، تهران: نشر سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- سوانسون، ج. و نادیا، ف. (۱۳۸۱). نظریه‌ها جدید مشاوره شغلی و کاربرد. ترجمه ر. موسوی. تهران: انتشارات اصلاح.
- شفیع آبادی، ع. (۱۳۷۹). راهنمایی و مشاوره شغلی حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. تهران: انتشارات رشد.
- شولتز، د. و سیدنی. (۱۳۷۹). نظریه‌های شخصیت. ترجمه‌ی. سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- مصطفوی، س. (۱۳۴۴). نظریه‌های روانی آدلر. تهران: انتشارات سخن.
- هالند. ج.ا. (۱۳۷۶). حرفه مناسب شما چیست؟ ترجمه س. حسینیان، و س.م. یزدی. تهران: انتشارات کمال تربیت.
- یزدی، س.م. و حسینیان، س. (۱۳۷۷). بررسی مقدماتی آزمون رغبت سنج تحصیلی-شغلی. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره ۱۳۷۷، جلد ۱، شماره ۱، ۷۱-۹۷.
- Claxton. P.R. (1995). "Birth order as a market segmentation variable". *Journal of Consumer Marketing*, 12 (3), 14.
- Christine. Momberg. (2005). The relation between personality traits and vocational interests in a South African Context. Master in Human Resource Management. Supervisor: Mrs S.M O'neil. University of Pretoria. development. *American Psychologist*, 56, 497-504.
- Emma Beck, Katriina L. Burnet, Jane Vosper (2006). Birth-order effects on facets of extraversion. *Personality and Individual Differences*, 40, 953-959.
- Haliburton, W. (1998). "Gender differences in personality components of computer science students: A test of Holland's congruence

- hypothesis*". Technical Symposium on Computer Science Education. Atlanta, Georgia, United States. Pages: 77 – 81.
- Heidi Keller and Ulrike Zach. (2002). Gender and birth order as determinants of parental Behavior. *International Journal of Behavioral Development*, 26 (2), 177–184.
- Herr, E.L. & Lear, P.B. (1986). "The family as an influence on career development ". *Family therapy Collections*, 10, 1-12.
- Jill, S.J. & Karl, P. (2007). Mothers' Favoritism in Later Life: The Role of Children's Birth order. *Journal of Research on Aging*, 29; 32.
- Leong T.L. Frederick. (2001). "Appraising Birth Order in Career Assessment: Linkages to Holland's and Super's Models". *Journal of Career Assessment*, 9, (1), 25-39.
- Leong. T.L. Frederick. (2002.). *Birth order may affect career interests - Psychology - Brief Article*. Find Articles> USA Today (Society for the Advancement of Education) > August, 2002.
- Melissa M. Dixon , A. et. al. (2008). Personality and birth order in large families. *Personality and Individual Differences* 44 , 119–128.
- Mellor, S. (1990). Individual Birth-Order Studies, Findings, and Outcomes having Controls. *Journal of Genetic Psychology*, 151, 221-30.
- Murray, J.L. & Hall, M. (2001). "Gender Differences in Undergraduate Holland Personality Types": Vocational and Co curricular Implications ". *NASPA Journal*, 39 (1) 14-29.
- Oliver, K.E. & Waehler, C.A. (2005). Investigating the Validity of Holland's RIASEC Typology Among Native Hawaiians. *Journal of Counseling Psychology*, 52(3), 448-452.

- Richard, L.M. & Todd, K. (2002). An Attempted Replication of the Relationships between Birth Order and Personality. *Journal of Research in Personality* 36, 182-188.
- Salami, O.S. (2008). Gender, Identity Status and Career Maturity of Adolescents in Southwest Nigeria. *J. Soc. Sci.* 16(1), 35-49 (2008).
- Savicka, M.L. (1988). An Adlerian view of the Publicans pilgrimage". *Career Development Quarterly*, 36, 211-217.
- Spokane, A.R. (1996). Holland's theory. *Career Choice and Development*, 3, 33-74.
- Sulloyway, F. (2001). *Birth order, sibling competition, and human behaviour*. In P.S. Davies & H.R. Holcomb (Eds.), *Conceptual challenges in evolutionary psychology: innovative research strategies* pp. 39-83.
- Sulloyway, F.J. & Zajonc, R.B.(2007). The Confluence Model: Birth Order as a Within-Family or Between-Family Dynamic? *Pers Soc Psychol Bull*, 33, 1187.
- Thomas, V. & Pollet, D.N. (2007). Birth order and face-to-face contact with a sibling: Firstborns have more contact than laterborns. *Personality and Individual Differences*, 43, 1796-1806.
- Thompson, C.R. & et. al. (2004). *Exploring Age and Gender Differences in Vocational Interests*. Poster presented at the Annual Convention of the APA, Honolulu, HI, July28-August1.
- Vondracek. W.F. (1999). Vocational Preferences of Early Adolescents: Their Development in Social Context. *Journal of Adolescent Research* 1999, 14, 267.

- Watkins, C.E. Jr. (1984). The individual psychology of Alfred Adler: Toward an Adlerian vocational theory. *Journal of Vocational Behavior, 14*, 28-47.
- Watkins, C.E., Jr. & Savickas, M.L. (1990). *Psychodynamic career counseling*. In W.B. Walsh & S.H. Osipow (Eds.), *Career counseling: Contemporary topics in vocational psychology* (pp. 79-116).
- Watkins, E.C. (1993). Psychodynamic Career Assessment: An Adlerian Perspective. *Journal of Career Assessment, 1*(4), 355-374.